

بررسی آراء و مبانی فکری محمد رشید رضا در زمینه حدیث

اختر سلطانی^۱

مهدی مهریزی^۲

چکیده

نقد حدیث و دانش‌های مرتبط با آن، همواره، مورد توجه محدثان بوده است. رشید رضا، یکی از اندیشه‌وران معاصر و تأثیرگذار در زمینه حدیث است. او ضمن باور اجمالی به روایات، نقدهایی فراتر از آنچه مشهور عالمان مسلمان گفته‌اند، بر حدیث وارد ساخت. نگاشته نشدن حدیث در قرن اول، رواج نقل به معنا در احادیث، کثرت جعل و وضع، و تأکید بر نقد متن برای اعتبارسنجی روایات، از جمله مباحث قابل توجه در اندیشه اوست. شاید عدّه زیادی رشید رضا را سلفی و جزء «قرآنیون» بدانند، اما نگاه او به حدیث را می‌توان حد فاصل دیدگاه قرآنیون و مشهور محدثان دانست.

در این مقاله تلاش می‌شود تا ضمن نشان دادن خاستگاه اندیشه‌ها، مبانی و آرای رشید رضا نسبت به حدیث استخراج و نقد گردد.

واژگان کلیدی

رشید رضا، مبانی حدیثی، آرای حدیثی، منتقدان حدیث، روشنفکران مصری.

۱. مربی گروه الهیات، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران.

Email: akhtar.soltanii@yahoo.com

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (مستول

Email: tossi217@gmail.com

مکاتبات)

پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۱۲/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۹/۱۴

مقدمه

قرن نوزدهم و بیستم میلادی، فضای بازگشت به قرآن بود که در آن، جریان‌ها و گروه‌های فکری گوناگونی شکل گرفت. یکی از این جریان‌ها، «قرآنیون» بودند که اعتبار و حجیت حدیث را نفی می‌کردند. گروهی دیگر قرآن‌بستگی در تفسیر را مطرح ساخته و گروه سوم ضمن اعتقاد به حجیت حدیث و خبر واحد انتقادهای جدی بر حدیث وارد ساختند.

نقد حدیث به عنوان دومین منبع استنباط احکام شرعی، روز به روز در حال گسترش است. این جریان، هم از جهت فکری، هم از جهت عملی در زندگی و عملکرد مسلمانان و عالمان مسلمان تأثیر گذار می‌باشد. چنانچه ترویج این تفکر در چهارچوب مشخص قرار نگیرد و حدود آن رعایت نشود، ممکن است پایه‌های فکری و باورهای عمومی مسلمانان، سست شود و نگرش آنان نسبت به حدیث دگرگون گردد؛ همچنین برخی از میراث حدیثی اهل سنت از بین می‌رود. از این رو، شناخت این جریان‌ها و آشنایی با آراء و مبانی آنان، برای حدیث‌پژوهان ضروری است.

رشیدرضا یکی از این اندیشمندان است که در این جریان‌ها حد اعتدال را در پیش گرفته و میانه قرآنیون و دیدگاه مشهور اهل سنت است.

پژوهش حاضر که به روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته، ضمن معرفی رشیدرضا به خاستگاه پیدایش افکار او می‌پردازد و مبانی و آراء او را استخراج می‌کند.

مطالعه تحلیلی سیر تاریخی جریان فکری رشیدرضا و تبیین خاستگاه شکل‌گیری آن، و شناخت، تبیین و بررسی مبانی و آرای حدیثی رشیدرضا، همچنین بررسی تأثیر آرای او در حجیت و عدم حجیت حدیث، از اهداف مهم این پژوهش است.

مقاله‌ها و آثاری درباره رشیدرضا و اندیشه‌هایش نوشته شده است. از این جمله، می‌توان مقاله «رویکرد رشیدرضا به سنت»، (محمدعلی مهدوی‌راد، آئینه پژوهش، اسفند ۱۳۹۲) را نام برد که در آن با مروری کوتاه بر زندگی‌نامه رشیدرضا، بخش‌هایی از کتاب «آراء محمد رشید فی قضایا السنه النبویه من خلال مجله المنار» را بررسی کرده است.

از دیگر مقالات مرتبط می‌توان به مقاله «نگاهی به جریان‌های حدیثی معاصر اهل

سنت»، (مهدی مهریزی، علوم حدیث، زمستان ۱۳۸۳) اشاره کرد. نویسنده در این اثر با بر شمردن جریان‌های حدیثی معاصر، به بررسی آرای پنج گروه از آن به شکل گذرا پرداخته است. در این پژوهش نگارنده ضمن معرفی رشید رضا مصری، در تلاش است تا به بررسی بخشی از آراء او پرداخته، به نقد و تحلیل آن پردازد.

الف) شخصیت‌شناسی

این بخش پس از معرفی اجمالی رشید رضا، خاستگاه اندیشه‌های او را بررسی می‌کند.

۱. معرفی اجمالی

«شیخ محمد رشید رضا به سال ۱۲۸۵ ق/ ۱۸۶۵ م، در خانواده‌ای سوری تبار، مشهور به «بیت آل‌رضا»، از نوادگان امام حسین علیه السلام به دنیا آمد. زادگاه وی روستای «قلمون» از توابع طرابلس در لبنان است.» (زرکلی، ۲۰۰۲، صص ۱۸۵ و ۱۸۶)

«دروس مقدماتی را نزد پدرش، روحانی و امام جماعت مسجد روستا، فرا گرفت و به حفظ قرآن پرداخت. سپس رهسپار طرابلس شد و در مدرسه «الرشیدیة» ادامه تحصیل داد. وی علاوه بر دروس ابتدایی، زبان ترکی را نیز آموخت. در سال ۱۸۸۲ م به مدرسه «الوطنیه الاسلامیه» که از مدارس پیشروی آن زمان بود، رفت و در یکی از مدارس دولتی عثمانی تحصیلاتش را به پایان رسانید.» (در نیقه، ۱۹۸۶، ص ۲۱)

«رشید رضا، در سال ۱۹۲۰ م به ریاست کنگره ملی سوری در دمشق برگزیده شد و در سال ۱۹۲۱ م به عنوان عضو هیأت نمایندگی سوریه و فلسطین برای اعتراض به قیمومیت انگلستان و فرانسه به جامعه ملل سفر کرد.» (لوشسکی، بی تا، ص ۳۶۲). «او در سال ۱۸۹۷ برای پیوستن به سید جمال و محمد عبده راهی مصر شد» (رشید رضا، ۱۳۵۰، ص ۸۴ و ۸۵)

رشید رضا از جمله تأثیرگذارترین منتقدان معاصر حدیث در اهل سنت و منتسب به مکتب سلفی است. امیر شکیب ارسلان معتقد است که «زمانی طولانی بعد از رشید رضا خواهد گذشت تا کسی دیگر در جهان اسلام قیام کند که بتواند جای خالی او را پر کند.» (ارسلان، ۱۹۳۷، ۲۸۴). «آلبانی، بیشترین تأثیرپذیری در زندگی علمی‌اش را استفاده از مجله المنار، خصوصاً مقالات رشید رضا در نقد حدیث، می‌داند. (شیبانی، ۱۴۰۷، ۴۰۱) سباعی

افزون بر اینکه رشید رضا را سرآمدترین شخصیت علمی مصر در زمینه حدیث می‌داند، درباره میزان پای‌بندی رشید رضا به حدیث می‌نویسد:

«با شناختی که از او دارم، به حق شهادت می‌دهم که در تمسک به سنن گفتاری و همچنین در ردّ اقوال فقهی مخالف با حدیث، خیلی جدی و سرسخت بود.» (سباعی، ۱۴۲۷/۲۰۰۶، ص ۴۱)

رشید رضا صاحب تألیفات متعددی است که عبارت‌اند از: «تفسیر القرآن الکریم مشهور به تفسیر المنار، مجله المنار، الوحی المحمدی، نداء الجنس اللطیف او حقوق النساء فی الاسلام، مساوات الامرة بالرجل، تاریخ الاستاذ الامام، حقیقه الربا، الخلافه او الامامه العظمی، السنه و الشیعۀ، الوحدۀ الاسلامیۀ و ...»؛ (ارسلان، ۱۹۳۷، صص ۸ تا ۱۳) وی عبارت‌هایی چون «جدنا الحسین» (رشید رضا، بی تا، ج ۱۵، ص ۷۸) و «جدنا المرتضی» (رشید رضا، بی تا، ج ۱۳، ص ۱۳۲) را در نوشته‌های خود بسیار به کار برده است. او در سال ۱۳۵۴ ق دیده از جهان فرو بست.

۱. تأثیر عبده و سید جمال الدین بر افکار رشید رضا

نوشته‌های سید جمال و محمد عبده در «العروه الوثقی» تأثیر زیادی در اندیشه رشید رضا داشت؛ تا آنجا که در سال ۱۸۹۷ م، برای پیوستن به آنها راهی مصر شد. رشید رضا علت عزیمتش به مصر را چنین بیان می‌کند:

«تصمیم گرفتم که به جمال‌الدین پیوندم، تا بدین وسیله خود را از راه خواندن فلسفه و اجتهاد شخصی کامل سازم و به ایمان خود خدمت کنم. در زمان مرگ افغانی چون به خوبی معلوم شد که سیاست باز عبدالحمید بود که مایه تباهی او گردید، در امپراطوری عثمانی احساس خفقان کردم و تصمیم گرفتم به مصر بروم، به سبب حریت فکری که در آن‌ها وجود داشت، آنچه آرزومند بودم که در مصر بیشتر از همه چیز فرا بگیرم عبارت از بهره‌برداری از حکمت، تجربه و روح اصلاحی بود که محمد عبده در آن کشور به منصفه ظهور نشانیده بود.» (رشید رضا، ۱۳۵۰، ۸۴-۸۵)

رشید رضا، همواره متأثر از افکار استادش محمد عبده بوده، او را «استاذنا الامام» می‌نامید و آرای استاد خود را دنبال می‌کرد.

«محمد عبده، پیدایش جعل و تأویل حدیث، را پس از کشته شدن عثمان و روی کار آمدن امویان می‌داند.» (رشید رضا، ۱۳۹۳، ۲۲۲) او معتقد بود که هر گاه خبر واحد با عقل مخالف باشد، باید آن را کنار گذاشت؛ اگر چه از نظر محدثان از صحت بالایی برخوردار باشد. رشید رضا نیز در مورد تاریخ پیدایش جعل و تأویل حدیث با استاد خود اتفاق نظر دارد؛ بررسی تألیفات عبده و رشید رضا روشن می‌سازد که رشید رضا نسبت به استاد خود، محمد عبده از تسلط و تبحر بیشتری در حدیث برخوردار بوده است و می‌توان او را استاد محدثان اهل سنت در عصر حاضر قلمداد کرد. عبده روایات تفسیری را مانع رسیدن به مقاصد و مفاهیم عالی قرآن می‌داند، (رشیدرضا، ۱۳۵۰، ج ۱، صص ۸ و ۱۰) اما رشید رضا، این نظر استادش را ناشی از ناکافی بودن آگاهی او در حوزه حدیث پنداشته، می‌گوید:

«کان ینقصه سعة الاطلاع علی کتب الحدیث؛ از کمبودهای او نداشتن اطلاعات گسترده درباره منابع حدیثی بود.» (رشید رضا، ۱۳۹۳، ج ۸، ص ۲۲۲)

«احمد شاکر نیز در بحثی پیرامون رشید رضا، به این مسئله اشاره می‌کند.» (احمد بن حنبل، ۱۳۷۰، ج ۱۲، ص ۱۲۴) شاید بتوان گفت محمد عبده، تتبع کاملی در منابع حدیثی نداشته است، بنابراین، از اطلاع و تسلط کافی در حوزه حدیث، برخوردار نبود.

ب) آراء و مبانی حدیثی رشید رضا

رشید رضا، به حدیث توجه خاصی داشت، و از تأثیرگذارترین منتقدان حدیث در قرن چهاردهم هجری بود. «او احادیث مندرج در کتب مشهور را می‌شناخت و روایاتی را که دست جعل بدانها رسیده بود، می‌دانست، به طوری که در این زمینه هم‌تا و نظیر نداشت.» (شرفی، عبدالمجید، ۱۳۸۳، صص ۸۶ و ۸۷).

۱. آراء رشید رضا در علوم حدیث

رشید رضا در زمینه علوم حدیث نظراتی دارد که با مشهور علمای اهل سنت، متفاوت است، مانند منع تدوین حدیث، صحیح نبودن تمام روایات صحیحین، نپذیرفتن عدالت تمامی صحابه. که در ادامه، به بررسی این مبانی می‌پردازد.

۱-۱. عدم کتابت حدیث در قرن اول هجری

اهل سنت، در سده‌های دهم تا چهاردهم، کمتر به موضوع عدم کتابت و تدوین حدیث پرداخته‌اند. از قرن چهاردهم به بعد رویکردی جدید به دانش‌های حدیثی و نقد آن به وجود آمده است. ممانعت از کتابت حدیث در قرن اول هجری را، عالمانی همچون رشید رضا، احمد امین مصری و ابوریه در دوران معاصر، مطرح کردند. رشید رضا در این مورد موضع خود را اعلام و به رد و نقد این مسئله پرداخت. او با آوردن مستندات روایی کتابت همچون حدیث عبدالله بن عمرو بن عاص، آنها را نقد و رد کرده است. (رشید رضا شید رضا، ج ۱۰، ص ۷۶۵ و ۷۶۶)، کتابت حدیث در قرن اول هجری را قبول ندارد. «او معتقد است در اصل تدوین حدیث به شکل رسمی، در قرن دوم و در اواخر دوران بنی امیه، مورد توجه قرار گرفت.» (ابوریه، ۱۴۱۸، ۲۶۷) «روایت زید بن ثابت و ابو هریره نیز توسط محدثان اهل سنت مورد تضعیف قرار گرفته است.» (الاعظمی، ۱۴۱۳، ص ۷۸) دیدگاه رشید رضا در مورد کتابت و تدوین حدیث با این روایت سازگار است.

۱-۲. صحیح ندانستن تمام روایات صحیحین

«کتاب صحیح بخاری و صحیح مسلم در میان اهل سنت از جایگاه بالایی برخوردار است و بعد از قرآن بهترین کتاب و صحیح‌ترین کتاب» (ر.ک: شهریزی، ۱۴۰۹، ص ۲۰۲) تلقی می‌شود. اینان ضمن افتخار به این دو کتاب تمامی روایات صحیح مسلم و صحیح بخاری را صحیح می‌دانند.

معاصران اهل سنت، در فضای بازگشت به قرآن، نقدهایی جدی بر حدیث وارد کردند. رشید رضا یکی از این عالمان است که در صحیح بودن تمامی احادیث صحیح بخاری تردید دارد. او می‌نویسد:

«در میان ما مسلمانان کسانی هستند که هر آنچه را در کتاب‌های تفسیر و دیگر منابع اسلامی آمده است، تقدیس می‌کنند و آن‌ها را مبرا از نقد و ارزیابی می‌دانند.» (رشید رضا، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۲۶۸)

او در جایی دیگر می‌گوید:

«در کتاب بخاری، روایاتی در زمینه عادت‌ها و غرائز وجود دارد که نه از اصول دین است و نه از فروع آن و با وجود ضعیف بودن، وارد در صحیح بخاری شده است. آیا

می‌توان به هر روایتی به صرف این که در صحیح بخاری آمده است، استناد و استدلال کرد؟! اگرچه از تأمل در بخاری، در می‌یابیم که پذیرفتن همه روایاتی که بخاری نقل کرده است - در هر موضوعی که باشد - نه از اصول ایمان است و نه از ارکان اسلام و حتی هیچ کس، اطلاع داشتن از روایات بخاری و پذیرفتن آنها را برای درستی اسلام فرد با شناخت تفصیلی او از اسلام شرط ندانسته است.» (رشید رضا، ق ۱۳۷۴، صص ۲۹ و ۱۰۴)

رشید رضا، برخی احادیث صحیحین را با نقد متنی و در برخی موارد نقد سندی، مردود و نادرست دانسته است؛ او در این باره می‌نویسد:

«من هذه الروایات ما لا یصح و لکن اخرجہ الشیخان؛ (رشید رضا، ۱۳۹۳، ج ۴، ص ۲۱۶) برخی از این روایات صحیح نیست اما بخاری و مسلم آن را نقل کرده‌اند.»

همچنین در مورد سبب نزول آیه پنجم سوره هود روایتی را از بخاری نقل کرده و در رد آن می‌گوید:

«آنچه این روایات، در خصوص آیه مطرح کرده‌اند، نه از معنای آیه قابل برداشت است و نه در قرائت و لفظ آن مشخص است.» (رشید رضا، ۱۳۹۳، ج ۱۲، ص ۱۱)

رشیدرضا در تفسیر المنار، به نص قرآن باقی مانده و به دستورات و مباحثی که قرآن تصریح فرموده، اکتفا می‌کند؛ به عنوان نمونه درباره «ناقۀ صالح آنچه را که بر مبنای روایات درباره خلقت این شتر از کوه یا تپه گفته شده، صحیح نمی‌داند.» (ر.ک: رشیدرضا، ۱۳۹۳، ج ۸، ص ۵۰۱)

یکی دیگر از مباحث مورد توجه رشید رضا، دیدگاه او در مورد راویان و رجالی است که مسلم و بخاری از آن‌ها نقل قول کرده‌اند. با وجود اعتبار صحیح بخاری و مسلم نزد علمای اهل سنت، رشید رضا برخی از راویان صحیحین مانند «حجاج بن محمد اعور و ابراهیم بن یزید، را جرح کرده است.» (ر.ک: رشیدرضا، ۱۳۹۳، ص ۴۴۹)

«رشید رضا، در جرح و تعدیل راویان از سخنان عالمان این فن بهره جسته و مکتبی در این مورد ندارد» (شقیق، ۱۴۱۹: ۱۳۰) و بیشتر نقل‌هایش بدون تعلیق و اظهار نظری خاص است؛ (ر.ک: رشید رضا، ۱۳۹۳، ج ۱۲، ص ۷۹) هرچند برخی موارد، به داوری پرداخته و سخن عالمی را بر دیگری ترجیح می‌دهد. به عنوان نمونه نکوهش «ابن معین» راجع به

«منهال بن خلیفه» را بر توثیق «بزار»، خلیفه ترجیح داده است. (ر.ک: رشید رضا، ۱۳۹۳، ج ۱۲، ص ۸۹ و ۹۰) با این وجود، از دیدگاه وی، صحیحین نسبت به سایر کتب حدیثی از برتری نسبی برخوردارند؛ به طوری که در نقل روایات ابتدا از شیخین نقل کرده و در صورتی که نقلی از این دو نباشد، به منابع و طرق دیگر اشاره می‌کند.

۱-۳. نپذیرفتن عدالت تمامی صحابه

علمای اهل سنت بر اساس جمله معروف «الصحابه کلهم عدول»؛ صحابه پیامبر ﷺ همگی عادل هستند، معتقد به اجماع امت بر عدالت صحابه‌اند. اما برخی از عالمان اهل سنت، مانند رشید رضا، این قاعده را نپذیرفته و عدالت تمامی صحابه را قبول ندارد. برخی اهل سنت در تعریف صحابی، گفته‌اند:

«بازگشت معنای صحابی به معنای لغوی آن است پس به هر مسلمانی که پیامبر ﷺ را دیده باشد - هرچند یک لحظه - صحابی گفته می‌شود.» (ذهبی، بی تا، ج ۲، ص ۲۷۵).
عده‌ای نیز می‌گویند:

«صحابی به کسی گفته می‌شود که مدتی با پیامبر مجالست و همنشینی داشته باشد.»
(ابن صلاح، بی تا، ص ۱۴۶)

رشید رضا تعریف دوم را پذیرفته و تأکید می‌کند، اعتقاد به «عدالت تمام صحابه» افراط و اعتقاد به فاسق بودن همه صحابه تفریط است. او «عدالت همه صحابه» را یک قاعده اغلیبی می‌نامد و می‌نویسد:

«القاعده عند اهل السنه أن جمیع الصحابه عدولا فلا یخل جهل اسم راو منهم بصره السنه و هی قاعده أغلیبه لا مطرده، فقد کان فی عهد النبی ﷺ منافقون؛ قاعده اهل سنت که می‌گوید: «همه صحابه عادل هستند پس ندانستن نام یک راوی از صحابه خللی در صحت سند بوجود نمی‌آورد»، یک قاعده غالبی است نه فراگیر، زیرا در زمان رسول خدا ﷺ منافقانی در میان اصحاب بودند.» (رشید رضا، ۱۳۹۳، ج ۹، ص ۵۰۶)

بنابراین، رشید رضا، عدالت همه صحابه را نمی‌پذیرد. دلیل او حضور منافقان در کنار رسول خدا است. به عنوان مثال بسیاری از دانشمندان متقدم اهل سنت، مانند ذهبی، نووی، رمزی نغانه، ابن حجر عسقلانی، ابن عساکر و دیگران کعب بن الاحبار را ستوده‌اند و

شیخان (مسلم و بخاری) از او حدیث نقل کرده اند. (ذهبی، ۱۴۰۵، ص ۱۶۸) اما رشید رضا کعب را عامل نقل سخنان یهود، در میان مسلمانان دانسته است. (رشید رضا، ۱۳۹۳، ج ۲۸، ص ۷۵۲) و چنین می نویسد:

تردیدى ندارم که کعب دروغ می گوید، بلکه به ایمان و اعتقاد او نیز اعتماد و باور ندارم. (رشید رضا، ۱۳۹۳، ج ۲۷، ص ۶۹۷)

وهب بن منبه، شخصیت دیگری است که رشید رضا، او را چون کعب الاحبار می داند. رشید رضا اغلب نام وهب بن منبه را در کنار کعب آورده و هر دو را، عاملان گسترش اسرائیلیت دانسته که نقش خود را به خوبی انجام داده اند. (رشید رضا، ۱۳۹۳، ج ۲۷، ص ۷۸۳)

او روایات کعب الاحبار و وهب بن منبه را ساختگی می شمارد و یکی از دلایل ورود روایت های کتب یهود به مجموعه های حدیثی مسلمانان را، آشنا نبودن محدثان با کتب یهودیان می داند چنان که نزد آنان دلیلی هم بر دروغگویی چنین راویانی قائم نشده بود. سپس می نویسد:

«حال اگر در زمانی پس از آنان (محدثان)، مطلبی آشکار شد که برای آنان آشکار نبود (مانند دروغگویی یک راوی یا چند راوی)، آیا حدیث پژوه، با حس خود مبارزه کند و خود را تکذیب نماید و از روی دروغ و نفاق، آنان را تصدیق نماید، یا حقیقت را از مسلمانان کتمان کند تا مخالف گفته پیشینان نباشد با این که برای او مسئله ای آشکار شده که برای گذشتگان آشکار نشده بود.» (شرفی، ۱۳۸۳ ش، ص ۸۷)

رشید رضا احادیث کعب و وهب بن منبه را مخالف با اصول دین دانسته، می نویسد: «بر آنچه از امثال کعب الاحبار و وهب بن منبه روایت شده، اعتمادی نیست و اگر آنچه که نقل شده مشتمل بر اموری باشد که دین یا علم صحیح آن را انکار کند، بر بطلان آن یقین می کنیم.» (رشید رضا، ۱۳۹۳، ج ۹، ص ۵۲۱).

۱-۴. تاکید بر وجود روایات جعلی و اسرائیلیات

رشید رضا، به تلاش یهودیان، برای ترویج آراء و افکارشان بعد از اسلام اشاره می کند و معتقد است، «آنها اخبار خرافی یا ساخته های ذهنشان را، در میان مسلمانان القاء

می‌کردند تا آن اخبار وارد کتاب‌های مسلمانان شود و با دین مسلمانان آمیخته گردد. به همین دلیل است که در کتاب‌های کهن مسلمانان، به مطالب خرافی بر می‌خوریم که در کتاب عهد قدیم وجود ندارد.» (ر.ک: رشید رضا، ۱۳۷۴، ج ۴، ۲۶۷ و ۲۶۸)

۲. مبانی رشید رضا در اعتبارسنجی حدیث

رشید رضا در پذیرش حدیث، اساسی را برای خود تبیین کرده که در فصل پیش‌رو، از نظر خواهد گذشت. قرآن محوری و توجه بر نقد متن، از مهمترین آرای او در این زمینه است.

۲-۱ عدم تعارض با قرآن

اولین منبع شناخت دین، قرآن کریم است و از مهمترین معیارهای ارزیابی روایات به شمار می‌رود.

رشید رضا یکی از نشانه‌های موضوع بودن حدیث را مخالفت با قرآن دانسته و در این مورد می‌نویسد:

«من علامة الحديث الموضوع مخالفة للقطعي من القرآن» (رشید رضا، ۱۳۹۳، ج ۹، ص ۵۹) از نشانه‌های حدیث جعلی، مخالفت قطعی آن با قرآن است.

رشید رضا، آنچه را که «درباره داستان حضرت آدم»، (رشید رضا، ۱۳۹۳، ج ۹، ص ۵۳) «حضرت نوح»، (رشید رضا، ۱۳۹۳، ج ۱۲، ص ۱۰۴ و ۱۰۵) «حضرت لوط» (رشید رضا، ۱۳۹۳، ج ۱۲، ۱۳۸ و ۱۳۹) و «عصای حضرت موسی» (رشید رضا، ۱۳۹۳، ج ۹، ص ۴۴) آمده، از اسرائیلیات دانسته و در مورد روایاتی که درباره عذاب قوم فرعون، آمده است، تنها قول ابن عباس را می‌پذیرد. او دلیل خود را برای پذیرش قول ابن عباس، «موافقت آن با معنای متبادر کلمه می‌داند.» (رشید رضا، ۱۳۹۳، ج ۹، ص ۸۶) «روایت سحر نمودن پیامبر ﷺ که در صحیحین نقل شده را معارض قرآن دانسته و نمی‌پذیرد.» (رشید رضا، ۱۳۹۳، ج ۹، ص ۵۱)

او معتقد است «اگر روایت صحیح باشد، جهت توضیح قرآن از آن استفاده می‌شود.» (رشید رضا، ۱۳۹۳، ج ۹، ص ۳۴۳) رشید رضا هرچند بر این باور است که «قرآن، اساس دین و سنت، بیانی برای آن است»، (رشید رضا، ۱۳۹۳، ج ۹، ص ۴۷۲) اما بسیاری از روایاتی را

که با ظاهر قرآن موافق نبوده ولی تعارضی هم با آن ندارند، رد می‌کند. وی در جایی دیگر در تناقض با باور خود می‌نویسد: «هرگاه به حکمی در قرآن اشاره شده باشد، نیازی به منبع دیگر نداریم.» (رشید رضا، ۱۳۹۳، ج ۹، ص ۱۲۰)

وی درباره روایات متعارض با ظاهر آیات قرآن می‌نویسد:

«اگر روایات را رها کنیم، می‌توانیم به راحتی به مفهوم آیه پی ببریم.» (رشید رضا،

۱۳۹۳، ج ۷، ص ۳۴)

به هر حال، عدم تعارض با قرآن، از مبانی فکری رشید رضا بوده و با توجه به آنچه در تفسیر المنار دیده می‌شود یعنی در عمل، به نقل روایت بسنده کرده و نه تنها به روایات استناد نمی‌کند، بلکه از پذیرش روایات نیز خودداری می‌کند.

به طور کلی می‌توان گفت که موافقت با قرآن، از مهم‌ترین معیارهای مورد استفاده رشید رضا در نقد و بررسی در المنار است. او بر عدم مخالفت حدیث با قرآن، تأکید ویژه‌ای داشته و می‌نویسد: «من اعتقادی به درستی سند حدیثی که با ظاهر قرآن مخالفت کند، ندارم؛ گرچه روایانش را توثیق کنند. چه بسیار روایانی که ظاهر فریبنده آنان سبب توثیق شده و حال آنکه باطنی نادرست دارند.» (رشیدرضا، بی تا، ۱۴۱)

۲-۲. تاکید بر نقد متن (نقد محتوایی)

رشیدرضا نقد حدیث را در دو مرحله می‌داند یکی از نظر سند و رجال حدیث (نقد

سندی) و دیگری نقد از نظر مضمون و محتوا (نقد محتوایی).

رشید رضا نقد محتوایی را بر نقد رجالی مقدم می‌داند. او معتقد است بررسی سند، شرط لازم برای برای شناخت حدیث است نه شرط کافی. «وی نقد محتوایی حدیث را امری مهم و ضروری دانسته، یکی از اشکالات محدثان پیشین را توجه صرف، به سند و رها کردن نقد متن بر می‌شمارد. نویسنده المنار بارها به صحت سند روایاتی اشاره کرده، در عین حال، آنها را فاقد اعتبار، و از اسرائیلیات خوانده است» (مسعودی، ۱۳۸۸، ص ۲۱۷)

«او بر این نکته تاکید دارد که داشتن سند قوی را نمی‌توان دلیل بر صحت روایت و پذیرش روایات دانست» (سید علوی، ۱۳۷۸، ج ۲: ص ۱۷۰)؛ اما در عین حال به ارزش گذاری سند روایات باور دارد.

رشید رضا معتقد است جاعل سند می‌تواند جاعل متن نیز باشد و می‌نویسد:

«سند سازی و جعل و وضع سند و نسبت آنها به راویان مورد اطمینان، امری رایج بوده است، بنابراین در احادیثی که سندهای مورد اطمینان و ستودنی دارند، نیز باید دقت کرد، چرا که ممکن است دستهایی آنها را ساخته و پرداخته و به اصول و جوامع حدیثی معتبر نخستین نفوذ داده باشد» (مسعودی، ۱۳۸۸، صص ۲۳۰ و ۲۳۱)

او به نقد متن توجه ویژه‌ای داشته و در المنار نقد متن حدیث را به صورت جدی دنبال کرده است. او به این نکته توجه داشته که رجال حدیثی گذشته نتوانسته‌اند به درستی به پالایش و نقد متن حدیث پردازند.

۲-۳. عقل‌گرایی

گسترش دانش بشری در عرصه‌های گوناگون، منجر به نتایج قطعی و بدون خطا در تحقیقات بشری گشته است. بسیاری از محدثان اهل سنت و شیعه، عدم مخالفت روایات، با علم قطعی را، یکی از معیارهای پذیرش حدیث در نقد متن می‌دانند.

رشید رضا، بر همین اساس، نامعقول بودن برخی روایات را گوشزد، و نمونه‌هایی از احادیث مخالف با عقل را مطرح می‌کند؛ از جمله پس از بیان حدیثی با این مضمون که تمام اسرار قرآن در سوره فاتحه و اسرار سوره فاتحه در بسم الله و اسرار بسم الله در حرف باء و اسرار حرف باء در نقطه آن است، می‌نویسد:

«صدور این روایت از پیامبر ﷺ و اصحابش به اثبات نرسیده است و علاوه بر آن، این روایت معقول نیست». (رشید رضا، ۱۳۹۳، ج ۱، ۳۰۴)

«این منتقد با آنکه در مجموع حدیث «اشترط الساعه» را باور دارد اما به طرق متعدد، به ویژه عقل، روایات مربوط به این حدیث را نقد می‌کند.» (رشید رضا، ۱۳۹۳، ج ۹، ۴۸۳ و ۴۸۹)

رشیدرضا در تفسیر داستان لوط ضمن اشاره به برخی روایات، آنها را از اسرائیلیات می‌داند و به این دلیل اکتفا می‌کند که اینچنین سخنانی مبتنی بر مطالبی است که علم آنها را تکذیب می‌کند. «او ضمن اشاره به نقد خود در این مورد با اشاره به ممکن بودن این امور از نظر عقلی، به دانسته‌های علمی، که مبنای پذیرش در این موارد قرار می‌گیرند،

اشکال وارد کرده است» (رشید رضا، ۱۳۹۳، ج ۱۲، ۱۳۸ و ۱۳۹)

۲-۴. عدم حجیت خبر واحد

همواره، حجیت خبر واحد، بین دانشمندان اسلامی محل اختلاف بوده است. در فضای بازگشت به قرآن، رشید رضا و همفکرانش نیز از این قاعده مستثنی نبوده‌اند. رشید رضا بر این باور است که عمده در دین، قرآن و سنت عملی متواتر پیامبر خدا مانند نماز و مناسک حق است. مفهوم این سخن، آن است که سنت گفتاری، جزء دین محسوب نمی‌شود و به همین دلیل، نمی‌توان بر آن استدلال نمود و احکامی را بر آن صادر کرد.

رشید رضا، همچون استاد خود محمد عبده، در حجیت خبر واحد تردید داشته و آن را نپذیرفته است. او خبر واحد را ظنی می‌داند و بر این نکته تأکید دارد که مفاد خبر واحد «ظن» است و چون ظن گمان است، افاده علم نمی‌کند و یقین آور نیست. دیدگاه رشید رضا در مورد خبر واحد، متأثر از سید جمال الدین اسدآبادی و بی‌اعتنایی استادش محمد عبده نسبت به احادیث بوده است. یکی از شاگردان سید جمال در مورد دیدگاه استاد خود، چنین می‌نویسد:

«تواتر و اجماع و سیره عملی پیامبر ﷺ، تنها سنت صحیح هستند که در فهم قرآن کاربرد دارند و نه چیز دیگر» (مغربی، بی تا، ص ۶۰)

رشید رضا، برای حجیت خبر واحد، دو شرط قائل است: «۱- ظن حاصل از خبر واحد، باید به مرحله اطمینان و وثوق برسد. ۲- وثوق و اطمینان هر شخص برای خودش اعتبار دارد و کسی حق ندارد بگوید به دلیل این که فلان خبر، نزد دیگری اطمینان آور بوده، پس برای من نیز حجت است و به اصطلاح، ظن شخصی در حجیت خبر واحد لازم است نه ظن نوعی» (رشیدرضا، ۱۳۹۳، ج ۱، ۱۳۷ و ۱۳۸)

رشید رضا بر این باور است که میزان حجیت خبر واحد به میزان باورمندی یا باور نداشتن افراد، مبانی فکری و روش آنها، بستگی دارد. بنابراین، اگر کسی براساس اخبار آحاد حکمی از احکام عبادی و یا وظایف فردی را بیابد، پیروی و تبعیت از آن حکم فقط بر خود آن فرد واجب است و دیگر افراد نمی‌توانند از او تقلید کنند. این نوع دیدگاه باعث

شده که رشید رضا بسیاری از احادیث را در حوزه اعتقادات و احکام نقد کند و دیدگاه‌هایی مخالف با عموم محدثان اهل سنت بیان دارد. با دقت در آراء رشید رضا، روشن می‌شود که او معتقد است، اخبار آحاد در مسائل اعتقادی حجت نیست» (رشیدرضا، ۱۳۹۳، ج ۳، ص ۲۹۱)

رشید رضا با این نگاه به سنت، بدون این که بخواهد سنت را پایمال می‌کند.

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر، ضمن معرفی اجمالی، به بررسی آراء و اندیشه‌های یکی از تأثیرگذارترین منقدان حدیث در عصر حاضر پرداخت.

اندیشه رشید رضا بر مؤلفه‌هایی خاص استوار شده لذا آرای او اهمیت خاصی پیدا کرده است. او نگارش و تدوین حدیث در قرن اول هجری را نمی‌پذیرد و کتابت حدیث را نیمه دوم قرن دوم و اواخر حکومت امویان می‌داند. بر خلاف باور بیشتر اهل سنت، رشید رضا همه روایات صحیحین را درست ندانسته و به نقد آنها می‌پردازد و بر این باور است که روایات جعلی و اسرائیلیات در متون حدیثی وارد شده است. این منتقد، اصل مقبول اهل سنت مبنی بر «عدالت همه صحابه» را نقد کرده و راویانی چون کعب الحبار و وهب بن منبه را جاعل می‌داند.

رشید رضا در اعتبارسنجی حدیث نیز آرائی دارد. او معتقد است قرآن، محور سنجش روایات است و هر روایتی با قرآن معارض باشد هر چند دارای سندی قوی، قابل پذیرش نیست. او توجه و بررسی متن روایات را، افزون بر نقد سندی، یکی از مهمترین معیارهای اعتماد به روایت می‌داند و در این راه، برای عقل، جایگاه ویژه‌ای در نظر دارد. از دیدگاه او، نقد محتوایی بر نقد سندی مقدم است. رشید رضا، خبر واحد را ظنی الصدور می‌داند و می‌گوید اگر ظن حاصل از خبر واحد شخصی باشد و به مرحله اطمینان برسد، حجت است.

فهرست منابع

کتاب ها

۱. آقایی، سید علی، «حدیث- حدیث و قرآن»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۲.
۲. ابن حنبل، احمد، مسند احمد بن حنبل، ج ۱۱، بی تا.
۳. ابن خلدون، عبد الرحمن، تاریخ ابن خلدون (مقدمه ابن خلدون)، ج ۱، چاپ چهارم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۴. ابن سعد (۱۴۱۷ق)، الطبقات الکبری، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج ۵، طبعه جدید.
۵. ابن صلاح، عثمان بن عبد الرحمن، مقدمه ابن صلاح فی علوم الحدیث (نوع سی و نهم)، پاکستان، نشر فاروقی، بی تا.
۶. ابو زهره، محمد، الحدیث و المحدثون، مصر، دار الفکر العربی، بی تا.
۷. ابوریه، محمود، أضواء علی السنه المحمديه، بی جا، دار الکتب الاسلامی، بی تا.
۸. ابوریه، محمود (۱۴۱۸ق)، أضواء علی السنه المحمديه، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۹. ابوشعر، منذر (۲۰۰۳م)، الغزالی و السنه النبویه: نشأته و تطوره، دوم، دمشق، دار الشبائر.
۱۰. احمد بن حنبل (۱۳۷۰ق)، المسند، شرح شاکر، احمد، مصر، ج ۱۲، دار المعارف.
۱۱. ارسلان، الامیر الشکيب، السيد رشيد رضا أو اخاه اربعين و (۱۹۳۷م)، سنه، دمشق، ابن زیدون، الطبعه الاولى.
۱۲. الاعظمی، محمد مصطفی (۱۴۱۳ق)، دراسات فی الحدیث النبوی و تاریخ تدوینہ، ج ۱، بیروت، المکتب الاسلامی.
۱۳. الهی بخش، خادم حسین (۱۴۲۱ق)، القرآنیون و شبهاتهم حول السنه، طائف.
۱۴. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱ق)، صحیح البخاری، ج ۴، بیروت، دار الفکر.
۱۵. بغدادی، ابو احمد بن علی (خطیب) (۱۴۰۵ق)، الکفایه فی علم الدرایه، بیروت، احمد عمرهاشم.
۱۶. ترمذی، محمد بن عیسی (۱۴۰۸ق)، الجامع الصحیح، ج ۵، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۱۷. جواد علی، المفصل (۱۹۷۸ق)، فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۶، بیروت، دار العلم للملایین، بغداد، مکتبه النهضه.
۱۸. خضری، محمد (۱۳۷۳ق)، تاریخ التشریح الاسلامی، قاهره.
۱۹. ذهبی، محمد حسین، التفسیر و المفسرون، ج ۱ و ۲، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۲۰. ذهبی، محمد حسین (۱۴۰۵ق)، الاسرائیلیات فی التفسیر و الحدیث، لجنه النشر فی دار الایمان، دمشق، ط ۲.

۲۱. رشید رضا، محمد، (۱۳۹۳ق)، المنار، تفسیر للقرآن الحکیم، النشر الثانی، دار المعرفه، بیروت، لبنان.
۲۲. رشید رضا، محمد، (بی تا)، المنار، دار المعرفه، بیروت، لبنان.
۲۳. رشید رضا، محمد (۱۳۷۴)، تفسیر المنار، قاهره، دار المنار.
۲۴. رشید رضا، محمد (۱۳۵۰ق)، تاریخ الاستاذ الامام الشیخ محمد عبده، قاهره، دارالمنار.
۲۵. رضائی، محمد بن رمضان (۱۴۳۴ق)، آراء رشید رضا فی قضایا السنه النبویه من خلال مجله المنار، ریاض.
۲۶. سباعی، مصطفی (۱۴۲۷ق/۲۰۰۶ م)، السنه و مکانتها فی التشریح الاسلامی، دار السلام، الطبعة الثانية.
۲۷. سلفی، محمد لقمان (۱۴۰۸ق)، اهتمام المحدثین بنقد الحدیث سندا و متنا، الرياض: بی نا.
۲۸. سیوطی، عبد الرحمن (۱۴۰۱)، الجامع الصغیر، ج ۲، بیروت، دار الفکر.
۲۹. سیوطی، جلال الدین، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، تحقیق: عبد الوهاب عبد اللطیف، ج ۱، لاهور: دار النشر الکتب الاسلامیه، بی تا.
۳۰. شرفی، عبدالمجید، الاسلام و الحدائث، ترجمه مهریزی، مهدی، اسلام و مدرنیته.
۳۱. شقیر، شفیق (۱۴۱۹ق)، موقف المدرسه العقلیه الحدیثه من الحدیث النبوی الشریف، بی جا، المکتب الاسلامی.
۳۲. شهروزی، عثمان بن عبد الرحمن (۱۴۰۹)، معرفه انواع علم الحدیث، (مقدمه ابن صلاح)، بیروت، دارالسورور.
۳۳. صدقی، محمد، «الاسلام هو القرآن وحده»، المنار، ش ۹.
۳۴. قرطبی، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، تحقیق: معوض، شیخ علی محمد و عبد الموجود، شیخ عادل احمد، ج ۱، بی تا.
۳۵. مسعودی، عبد الهادی (۱۳۸۸)، وضع و نقد حدیث، تهران: انتشارات سمت.
۳۶. مصری، احمد امین، فجر الاسلام، دار الکتب العربیه، بیروت، ط ۱۰، بی تا.
۳۷. مغربی، عبد القادر، جمال الدین افغانی، بی جا، دار المعارف، بی تا.
۳۸. و. لوشسکی، تاریخ عرب در قرون جدید، ترجمه پرویز با بی، تهران، انتشارات چاپاد.
۳۹. وانی، احمد، هویتة الشیع، بیروت، دار الصفوه، ۱۴۱۴ق/۱۹۹۴م.
- مقاله ها**
۴۰. سید علوی، سید ابراهیم (۱۳۷۸)، شناخت نامه علامه مجلسی، مقاله تعلیقات علامه طباطبائی بر بحار الانوار، ج ۲، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴۱. فراستخواه، مقصود (۱۳۷۱)، کیهان اندیشه، شماره ۴۴.
۴۲. آقایی، سید علی (۱۳۸۹)، قرآن بسندگی و انکار حجیت حدیث، سال اول، شماره سوم.